



جیسون دمارس
خدمت حقیقت حاضر

مارس ۲۰۱۶

عیسی مسیح دیروز و امروز و تا ابدالآباد همان است.

عبرانیان ۸:۱۳

چند سال پیش، هر سه ماه یکبار نامه‌ای تعلیمی می‌نوشتیم، که به زبان فارسی و اردو ترجمه می‌شد. ما شهادت‌های بسیاری در مورد مقالاتی که نوشته شد، دریافت نمودیم. از آنجا که سؤالاتی در مورد بسیاری از موضوعات و مطالب وجود دارد و همچنین تمایل زیاد به یادگیری و رشد کردن وجود دارد، این مسولیت و انگیزه را حس نمودم که بار دیگر آن را آغاز نمایم. هدف و خواست ما ایستادن در تعالیم برادر برانهم و نشان دادن واضح آن تعالیم می‌باشد. این مسولیت و کاری است که من برای آن فراخوانده شده‌ام.

نسخه ماه مارس سه موضوع مهم را پوشش می‌دهد:

۱. زن مکاشفه‌ی باب ۱۲
۲. اعتراف به ایمان
۳. تاریخ کلیسا: سیر تکاملی تثلیث

زن مکاشفه‌ی باب ۱۲

"و علامتی عظیم در آسمان ظاهر شد، زنی که آفتاب را در بر دارد و ماه زیر پای‌هایش و بر سرش تاجی از دوازده ستاره است." مکاشفه ۱:۱۲

بحث‌های زیادی در مورد هویت این زن وجود دارد. بسیاری معتقدند که او کلیسای راستین می‌باشد، اما آیا واقعاً چنین است؟ بیایید از نزدیک‌تر به این آیات نگاه کنیم.

برادر برانهام به ما می‌گوید که مسیح، خورشید پیغام انجیل است، و شریعت، ماه می‌باشد. این نشان می‌دهد که این زن از شریعت گذشته است و ملبس به جلال مسیح می‌باشد، پیغام انجیل. دوازده ستاره، همان دوازده رسول هستند که باید بر دوازده کرسی اسرائیل فرمانروایی کنند.^۱ برادر برانهام در پیغام خود به روش‌های متفاوتی در مورد هویت این زن صحبت می‌کند. گاهی اوقات به عنوان کلیسا به او اشاره می‌کند، و گاهی به عنوان اسرائیل. همان‌طور که ما کتاب مقدس و پیغام‌ها را بررسی می‌کنیم، به حقیقت امر پی خواهیم برد.

نخست بیایید برخی از این پیغام‌ها را بررسی کنیم.

"و اکنون، او آن زن را می‌بیند که اینجا ایستاده است. به او بنگرید، او همان زن است، چند لحظه دیگر خواهید دید، او کلیسای ارتدکس یهودی است، همسر خدا، آن

^۱ "عیسی ایشان را گفت، هرآینه به شما می‌گویم شما که مرا متابعت نموده‌اید، در معاد وقتی که پسر انسان بر کرسی جلال خود نشیند، شما نیز به دوازده کرسی نشست، بر دوازده سبط اسرائیل داوری خواهید نمود." متی ۱۹:۲۸

نتیجه

این پیغام زمان آخر، امروزه به سراسر جهان رفته و در تمام ملت‌ها موعظه می‌شود. روح‌القدس در حال حرکت است و شهادت‌های شفا و تبدیل، از سراسر جهان به گوش می‌رسد. بزرگ‌ترین شهادت پیغام، زندگی شما می‌باشد، که اجازه می‌دهد کلام در شما زندگی کند.

برای عضویت در سایت peygham.net از شما تشکر می‌کنم. «خدمت حقیقت حاضر»، در حال انجام خدمات بشارتی در خاورمیانه می‌باشد. هدف ما موعظه‌ی پیغام زمان آخر، در هر مکانی است که خداوند ما را فرامی‌خواند. دعاها و حمایت شما، ما را قادر به انجام این امر خواهد ساخت. شما می‌توانید به سایت ما رفته و خدمات در حال پیشرفت ما را حمایت کنید، یا به این آدرس برای ما نامه بنویسید:

Present Truth Ministries
P.O. Box: ۳۴
Hopkins, MN ۵۵۳۴۳

مولود. و توجه کنید، سپس، یا، نه فقط یک مولود (او مولود خداست، مطمئناً)، لیکن او همسر نیز هست. و زمانی خدا باید او را کنار می‌گذارد، در آن موقع، به دلیل زنای روحانی. درست است؟ سپس آن مرد بار دیگر بازگشت و او را پذیرفت و با او ازدواج نمود، و گفت که او با یک کافر ازدواج کرده. (درست است؟) همسری که از نزد او رفته بود. حال، این چه تصویر زیبایی است! دیدن زنی که آنجا ایستاده، و ماه زیر پایش قرار دارد و آفتاب بر سرش می‌درخشد. بیایید لحظه‌ای به او بنگریم. و حال بینیم که او چگونه به نظر می‌رسد.^۲

"در اینجا اژدها می‌آید، آن سلسله مراتب رومی. (جایی که خود کلیسا روده شده بود، آن به مدت سه سال و نیم در بزم نگاه در جلال بود). سپس آن اژدها، بینید، اژدها همیشه روم است، آن اژدهای آتشگون. حال برای اینکه نسبت به این امر شما را مطمئن کنم، در باب ۱۲ مکاشفه، آن اژدها بر زن غضب نمود. آن زن که مقرر بود پسر نرینه‌ای را بزاید که همه‌ی اُمّت‌های زمین را به عصای آهنین حکمرانی کند. و او از دهان خود آبی به بیرون ریخت... تا با باقی‌ماندگان ذریت جنگ کند. اژدها نخست پیش آن زن که می‌زاید ایستاد تا چون بزاید فرزند او را ببلعد. حال چه کسی نزد کلیسای اسرائیلی ایستاده، (آن زن اسرائیل) تا به محض اینکه فرزندش را (عیسی) به دنیا آورد، او را ببلعد؟ روم."^۳

"زیرا که ما در باب دوازدهم مکاشفه در می‌یابیم، آن زن که «کلیسا» می‌باشد ماه

^۲ ۵۴-۰۵۱۶ پرسش و پاسخ (سایه دار بودن شریعت)، ویلیام ماریون برانهام
<http://table.branham.org>

^۳ M-۶۰۱۲۱۱ - ده باکره و صد و چهل و چهار هزار یهودی، ویلیام ماریون برانهام
<http://table.branham.org>

را بنیان نمودند که اکثر مسیحیان آنها را نادرست می‌شمردند. شورای نیقیه بنا نهاد که اسقفان رم، انطاکیه، کنستانتینوپل و اسکندریه، پاتریاخ در نظر گرفته شوند و بر استان‌های غیرنظامی و تمام اسقفان دیگر اقتدار داشته باشند. شورای اول افسس اعلام کرد که مریم مادر، خدا بود. دیگر شوراها پرستش (تکریم) تصاویر (بت‌ها) را اعتبار بخشیدند، از قبیل مجسمه‌ها و اقلام دیگر، با ارزش تاریخی مرتبط با مسیحیت.

بدون شك آموزه‌ی تثلیث در طول زمان توسعه یافته و یک مکاشفه‌ی کتاب مقدسی نمی‌باشد. ایمان یهودی مدعی اعتقاد به یگانگی مطلق خدا و در عین حال تداوم این امر می‌باشد، که خدا خود را به منظور آشکار نمودن خود به خلقتش نمایان می‌ساخت. تاریخ کلیسا ثابت می‌کند که یک زنجیره‌ی ناگسستنی در اعتقاد به تثلیث از زمان رسولان تا به امروز وجود ندارد. این بسیار، بسیار روشن است که پدران رسولی (نامی تاریخی برای رهبرانی که پیرو رسولان بودند) به تثلیث اشخاص ایمان نداشتند، و نویسندگان رساله‌های دفاعی (رهبرانی که پیرو پدران رسولی بودند) نیز به تثلیث اشخاص ایمان نداشتند.

این حقیقت ساده که پدر، پسر و روح‌القدس سه تجلی از یک شخص می‌باشند، تبدیل به یک مشکل و اختلاف شد. در زمان آخر، خدا این مکاشفه‌ی ساده را برای عروس احیا کرده است، و ما از این سبب بسیار از او سپاسگزار می‌باشیم. شیطان هنوز هم سعی در سردرگم کردن دارد. لیکن اگر بتوانیم به سادگی و مکاشفاتی که برادر برانهام تعلیم داد، بازگردیم و همه‌ی پیغام‌ها را در توازن نگاه داریم و ایمان داشته باشیم که همگی آنها صحیح می‌باشند، آنگاه در راه درست خواهیم ماند.

زیر پاهایش و آفتاب بر سرش قرار دارد، و تاجی از دوازده ستاره. شریعت کهن ارتدکس یهودی زیر پاهایش قرار داشت، او از آن عبور کرد و داخل نور آفتاب شد. دوازده ستاره همان «دوازده رسول» هستند که پیغام را برایمان آوردند، حال، تخت روح‌القدس.^۴

ما دارای سه پیغام می‌باشیم که نشان می‌دهد او به طرق مختلف در مورد زن مکاشفه باب ۱۲ سخن می‌گوید. می‌توانیم ببینیم که او دو بار به عنوان «کلیسا» به او اشاره می‌کند، او به تفصیل در این مورد عمیق‌تر شرح می‌دهد و می‌گوید: "کلیسای ارتدکس یهودی که خدا آن را کنار گذارده، لیکن اکنون آن را بار دیگر پس می‌گیرد." بنابراین آن زن در واقع اسرائیل است. بیابید باب ۱۲ را بیشتر بخوانیم و عمیق‌تر آن را بررسی کنیم.

"و آبستن بوده، از درد زه و عذاب زاییدن فریاد برمی‌آورد. و علامتی دیگر در آسمان پدید آمد که اینک، اژدهای بزرگ آتشگون که او را هفت سر و ده شاخ بود و بر سرهایش هفت افسر؛ و دُمش ثلث ستارگان آسمان را کشیده، آنها را بر زمین ریخت. و اژدها پیش آن زن که می‌زایید بایستاد تا چون بزاید فرزند او را ببلعد. پس پسر نرینه‌ای را زایید که همه امت‌های زمین را به عصای آهنین حکمرانی خواهد کرد؛ و فرزندش به نزد خدا و تخت او رבוته شد." مکاشفه ۱۲:۲-۵

در واقع این نبوت مانند بسیاری از نبوت‌های دیگر، نگاهی به گذشته دارد و در همان زمان از آینده سخن می‌گوید. این زن، اسرائیل از درد زایمان مسیح می‌نالید، مردی که

^۴ ۶۴-۰۱۱۲ شالوم، ویلیام ماریون برانهام
<http://table.branham.org>

مقرر بود بر تمام امت‌ها حکمرانی کند.^۵ اژدها که ابلیس است آنجا ایستاده تا او را ببلعد و مانع حکمرانی او بر امت‌ها شود. این کار توسط هیروودیس انجام شد. هنگامی که هیروودیس باعث شد تا در بیت‌لحم همه‌ی پسران دو ساله و کمتر کشته شوند. زیرا مسیح در آنجا تولد یافته بود. لیکن مسیح نزد خدا ربوده شد و هنوز بر امت‌ها حکمرانی نمی‌کند.

"و زن به بیابان فرار کرد که در آنجا مکانی برای وی از خدا مهیا شده است تا او را مدت هزار و دوست و شصت روز پرورند." مکاشفه ۱۲:۶

آن فرزند نرینه، نزد خدا ربوده می‌شود و آن زن به مدت سه سال و نیم برای محافظت او به بیابان می‌گریزد. آن فرزند نرینه مسیح است و بیش از ۱۹۰۰ سال پیش نزد خدا بالا برده شد. لیکن آن زن هنوز به بیابان نگریخته است. این در مورد آینده می‌باشد.

"و چون اژدها دید که بر زمین افکنده شد، بر آن زن که فرزند نرینه را زاییده بود، جفا کرد. و دو بال عقاب بزرگ به زن داده شد تا به بیابان به مکان خود پرواز کند، جایی که او را از نظر آن مار، زمانی و دو زمان و نصف زمان پرورش می‌کنند. و مار از دهان خود در عقب زن، آبی چون رودی ریخت تا سیل او را فرو گیرد. و زمین زن را حمایت کرد و زمین دهان خود را گشاده، آن رود را که اژدها از دهان خود ریخت فرو

^۵ "ما می‌دانیم آن تصویر چه کسی است، اژدها پیش آن زن بایستاد تا فرزند او را ببلعد. پسر نرینه‌ای که همه امت‌های زمین را به عصای آهنین حکمرانی خواهد کرد، مسیح."

۷۰۴-۶۳ - نشانه‌های آمدن او، ویلیام ماریون برانهام
<http://table.branham.org>

اعتقاد تثلیثی‌شان معتبرتر است، دارا می‌باشند.

هفت شورای جهانی کلیسای کاتولیک وجود دارد،^۹ که کاتولیک رومی و ارتدوکس شرقی هر دو بر سر آن توافق دارند. کلیسای شرق،^{۱۰} تنها دو تن از آن‌ها را به رسمیت می‌شناسد. یکی از این شوراها یک تصمیم از شورای پیشین را لغو نموده و شورای بعدی آن تصمیم اولیه را احیا نمود. آیا خدا این‌گونه حقیقتش را به قوم خود می‌گوید؟ این سیاست است، نه مکاشفه. هفت شورای نخست، همگی از طرف امپراتور روم غربی و یا امپراتور روم شرقی فراخوانده شدند.

این برای بسیاری از ما کاملاً عجیب به نظر می‌رسد، لیکن کمی صبر کنید، زیرا هدفی دارم. کلیسای کاتولیک روم، در اعتقادش به تثلیث، اعتراف می‌کند که روح‌القدس از پدر و از طریق پسر حاصل می‌شود، و کلیسای ارتدکس شرقی، اقرار می‌کند که روح‌القدس تنها از پدر حاصل می‌شود. کلیسای شرق نمی‌پذیرد که دو ماهیت عیسی مسیح با هم یکی شده‌اند، بلکه معتقدند آن‌ها از هم مجزا می‌باشند.

هر یک از این شوراها کلیدی در توسعه‌ی آموزه‌ی تثلیث، در انتها تعالیم دیگری

^۹ شورای جهانی (یا شورای عام، همچنین شورای عمومی) تجمع مقامات کلیسا و کارشناسان الهیاتی در کنفرانس می‌باشد، برای گفتگو درباره‌ی مسائل مربوط به تعالیم کلیسا و طرز اجرا و حل و فصل آن می‌باشد، آنانی که حق رأی دارند از سرتاسر جهان فراخوانده می‌شوند. (oikoumene) منبع از سایت ویکی‌پدیا

^{۱۰} کلیسای شرق که همچنین به کلیسای نسطوری معروف است، کلیسایی مسیحی که در سنت سریانی مسیحیت شرق می‌باشد. این کلیسای مسیحی امپراتوری ساسانی بود، و به سرعت به طور گسترده‌ای در آسیا گسترش یافت. مابین ۹ و قرن ۱۴ این بزرگترین کلیسای مسیحی در جهان از نظر وسعت جغرافیایی بود، دایره‌ی آسقفی آن از دریای مدیترانه تا چین و هند وسعت یافته بود. کلیساهای امروزی بسیاری مدعی تداوم کلیسای تاریخی شرق می‌باشند.

- سال ۱۴۷ تا ۱۶۱ - جاستین شهید اعتراف می‌کند که ایمان دارد، کلمه‌ی ذکر شده در یوحنا ۱:۱، «خدای دوم» می‌باشد.
- در حدود سال ۲۰۰ - ترتولیان اولین کسی بود که کلمه‌ی تثلیث را بکار برد. او این اصطلاح را از آموزه‌ی بت پرستی که از تثلیث پدر، پسر، مادر سخن می‌گفت، اقتباس کرد.
- در این زمان آموزه تساوی شخصیت‌ها از هر نظر، ابدی و ازلی وجود نداشت.
- در حدود سال ۲۳۰ - اورینگن شروع به این تعلیم نمود که پسر، ابدی می‌باشد. قبل از آن همه‌ی معلمین اعتراف نموده بودند که لوگوس دقیقاً پیش از آفرینش، از جانب خدا آمده بود.
- سال ۳۲۵ - شورای نقیه، پسر را به عنوان شخص دوم می‌شناسد، تساوی از هر نظر، ابدی و ازلی.
- سال ۳۸۱ شورای قسطنطنیه - کلیسا بطور رسمی می‌پذیرد که روح‌القدس شخص سوم تثلیث می‌باشد. (ریاست شورا را، یکی از مقامات تعمیم نیافته‌ی شهر، بر عهده داشت).

کدام آموزه‌ی تثلیث صحیح می‌باشد؟

بسیاری از کلیساهای ارتدوکس نیز بر این سیر تکاملی شهادت می‌دهند. هر کدام از آنها به یک نسخه‌ی متفاوت از تثلیث اقتدا می‌کنند. هر یک از آنها مدعی جانشینی یک رسول هستند. (تعلیمی که آن‌ها می‌توانند ریشه‌ی اسقف‌های کلیسایشان را تا، یکی از رسولان قدیم دنبال کنند)، و هر کدام از آن‌ها استدلال خود را در این مورد که چرا

برد. و ازدها بر زن غضب نموده، رفت تا با باقی ماندگان ذریت او که احکام خدا را حفظ می‌کنند و شهادت عیسی را نگاه می‌دارند، جنگ کند. "مکاشفه ۱۲:۱۳-۱۷"

ایام جفای عظیم که بر اسرائیل واقع خواهد شد در دوره مصیبت عظیم خواهد بود، زمانی که وحش تمام قدرتش را برای نابود کردن اسرائیل روحانی بکار می‌گیرد. آن‌گاه می‌بینیم که دو بال عقاب به این زن داده شد. خدا خود را به عنوان عقاب نشان می‌دهد، و انبیای خود را نیز به عنوان عقاب نشان می‌دهد.

"شما آنچه را که من به مصریان کردم، دیده‌اید، و چگونه شما را بر بال‌های عقاب برداشته، نزد خود آورده‌ام. " خروج ۴:۱۹"

خدا آن‌ها را از طریق کاری که نبی‌اش موسی انجام داد، از مصر بیرون آورد. در باب دوازده کتاب مکاشفه، خدا آن دو شاهد را مهیا خواهد کرد، که مکان امن و محافظت شده، در مقابل جفای ازدهای بزرگ آتشگون را به آن زن نشان خواهند داد. این امر در مورد آن صد و چهل و چهار باقی مانده که وارد هزاره شده‌اند نیز، صدق می‌کند.

"حال، شما متوجه شدید، نوح نمادی از یهودیانی بود که از جفاها گذر خواهند کرد. خنوخ نمادی از پیغام راستین بود، تبدیل کلیسا، زیرا خنوخ به بالا رفته شد و سپس سیل آمد. و هردوی آنها... نبی نخست از راه کنار زده شد، تا نوح بتواند پیش برود. تا خدا بتواند با نوح به پیش برود. اکنون کلیسا رفته شد، تا خدا بتواند به یهودیان رسیدگی کند، یهودیان باقی مانده، آن صد و چهل و چهار هزار نفر، همان‌طور که اینجا در کتاب مقدس بررسی کردیم." ^۶

^۶ ۰۸۱۶-۶۴ اثبات کلامش، ویلیام ماریوم برانهام
<http://table.branham.org>

آن زن، اسرائیل در مقابل جفایا محافظت می‌شود، همان‌گونه که از نوح در مقابل سیل محافظت شد و پس از آنکه داوری صورت گرفت، بر روی زمین راه رفت.

اعتراف ایمان

"نگرش ذهنی درست شما در مقابل وعده‌ی الهی، هر وعده‌ای را عملی خواهد نمود. حال، شاید شما این را باور ندارید. شما می‌گویید: "خب، ایمانم ضعیف است." این را اعتراف نخواهم نمود. می‌بینید؟ اجاره ندهید شیطان این را بداند. همیشه بگویید: "من ایمان خوبی دارم. من با تمام قلبم به خدا ایمان دارم." می‌بینید؟ هیچ چیزی را به شیطان اعتراف نکنید. و هنگامی که او را به عنوان شفا دهنده خود می‌پذیرید، دیگر هرگز مانند آنکه بیمار یا فلج هستید، رفتار نکنید. ایمان داشته باشید که شفا یافته‌اید. کلام او را بپذیرید. سپس خدا مسئول آن است نه شما. می‌بینید؟ شما... تا جایی که شما کلام خدا را بپذیرید، سپس کلام، آنچه را که وعده داده، انجام خواهد داد. درست است؟ حال، ایمان داشته باشید. با تمام قلب خود به او ایمان داشته باشید."^۷

ایمان به اینکه نجات یافته‌ایم و زندگی کردن بر اساس اینکه گویی نجات یافته‌ایم، نجات را ثمر می‌دهد. حال، درواقع زیستن نیست که ما را نجات می‌دهد، بلکه ایمان می‌باشد. با این حال، ایمان راستین نگرش و شیوه‌ی زندگی‌ای را ثمر می‌دهد، که مطابق با ایمان می‌باشد. این امر در مورد همه وعده‌های دیگر خدا نیز صدق می‌کند. دارا بودن یک نگرش ذهنی درست در این مورد، ایمان و سپس اعتراف و زندگی به گونه‌ای که

^۷ E ۵۱-۰۰۴۱۵ - زمان فرا رسیده است، ویلیام ماریون برانهام
<http://table.branham.org>

انجام دهد تا زمانی که بگوییم او این کار را انجام داده است. باید این را اعتراف کنیم، که او این کار را انجام داده است، سپس او می‌تواند وارد عمل شود و برای آن شفاعت کند. آیا درست است برادر؟ آیا این از کلام می‌باشد؟ شفاعت کردن بر اساس اعتراف‌هایمان...^۸

تاریخ کلیسا: سیر تکاملی تثلیث

کتاب مقدس هیچ‌گاه از اصطلاح «تثلیث» استفاده نمی‌کند، «یک خدا در سه شخص»، «سه شخص در یک ذات» و غیره. عجیب است که چرا شوراها کلیسا بکار بردن این اصطلاحات را برای نجات الزامی می‌داند. اعتقادنامه آتاناسیوس می‌گوید: «ایمان کلیسای جامع (کاتولیک) این است: که ما یک خدای واحد را در تثلیث، و تثلیث را در وحدانیت پرستش کنیم. نه شخصیت‌ها را با یکدیگر جا به جا کنیم و نه ذات خدا را تقسیم به اجزا نماییم.»

پس از مرگ رسولان، تاریخ کلیسا روشن است. یک تغییر تدریجی از زبان عبری به زبان یونانی وجود داشت، یعنی تغییر تفکر کتاب مقدسی به تفکر فلسفی. در نتیجه، به جای نگرش اشکار شدن خدا به امت خود در زبان و تفکر عبری، الهیدانان با تفکر یونانی شروع کردند به حدس و گمان در مورد رابطه خدا در درونش. به جدول زمانی زیر دقت کنید:

^۸ E ۶-۶۰۰۴۰۱ - ملکه‌ی صبا، ویلیام ماریون برانهام
<http://table.branham.org>

"زیرا که از سخنان خود عادل شمرده خواهی شد و از سخن‌های تو بر تو حکم خواهد شد." متی ۱۲:۳۷

کتاب مقدس تعلیم می‌دهد که جدا از اعمال، این ایمان ماست که باعث نجات می‌شود. اگر چه اعتراف زبانی ما بعنوان مدرکی بر علیه یا برای ما نگاه داشته خواهد شد، که آیا در مرحله فیض می‌باشیم. کلماتمان قلبمان را آشکار می‌کند، و نمایان می‌سازد که آیا ایمان داریم یا پر از تردید می‌باشیم.

"زیرا اگر به زبان خود، عیسی خداوند را اعتراف کنی و در دل خود ایمان آوری که خدا او را از مردگان برخیزانید، نجات خواهی یافت." رومیان ۹:۱۰

اعتراف ما، به ایمانمان متصل است. در واقع، اگر ما ایمان خود را اعتراف نکنیم، آن به هیچ وجه ایمان محسوب نمی‌شود. همین امر در مورد تمام وعده‌های کتاب مقدس صدق می‌کند. کلام را وارد قلبتان کنید، به آن ایمان بیاورید، اعتراف کنید که آن حقیقت است، و دوباره و دوباره بر روی آن تعمق کنید.

"بنابراین، ای برادران مقدّس که در دعوت سماوی شریک هستید، در رسول و رئیس کهنهٔ اعتراف ما، یعنی عیسی تأمل کنید." عبرانیان ۱:۳

"لیکن اکنون این هیچ به نفع شما نخواهد بود، تا زمانی که آن را پذیرفته، شما بگویید: "بله خداوند! می‌پذیرم آن کاری را که او برایم انجام دادی." آنگاه نجات می‌یابید. و سپس بگویید: "می‌خواهم که تو مرا شفا دهی، خداوند." او از پیش این کار را انجام داده است. بنابراین شما فقط باید کاری را که او انجام داده است، بپذیرید. حال، او کاهن اعظم است، که به دست راست خدای قادر مطلق نشسته است، او بر اعتراف و اقرارمان، ما را شفاعت می‌کند. بنابراین هرچه... حال، او نمی‌تواند هیچ کاری برایمان

گویی از پیش شفا یافته‌اید، شفا را ثمر می‌دهد. ایمان داشتن به کلام خدا بالاتر از تمام شرایط و تجربه‌ها، به وعده‌ی خدا را اقتدا خواهد بخشید. بیایید بخوانیم کتاب مقدس در این مورد چه می‌گوید.

"زیرا چنان که در دل خود فکر می‌کند خود او همچنان است. تو را می‌گوید: بخور و بنوش، اما دلش با تو نیست." امثال ۲۳:۷

این‌ها کلمات بسیار قدرتمندی هستند، «چنانکه در دل خود فکر می‌کنید، همچنان می‌باشید.» به هر آنچه شما فکر و اندیشه کنید، همان خواهید شد. بنابراین اگر بر کلام خدا فکر و اندیشه کنید، شما کلام آشکار شده خدا خواهید شد. چیزهایی که ما ذهنمان را با آن‌ها اشغال می‌کنیم، در واقع همان فضا را در اطراف ما و زندگی مان ایجاد خواهد کرد. اگر ما تمام مدت به افکار منفی فکر کنیم، بنابراین آن فضا را در اطرافمان ایجاد خواهیم کرد، و افکار منفی را وارد زندگی مان خواهیم کرد. عکس آن نیز صادق است، اگر ما فکر مسیح را داشته باشیم، از طریق کلام خدا، بنابراین وعده‌های خدا را وارد زندگی مان خواهیم کرد.

"آدم نیکو از خزینه‌ی خوب دل خود، چیز نیکو برمی‌آورد و شخص شریر از خزینه بد دل خویش، چیز بد بیرون می‌آورد. زیرا که از زیادتی دل زبان سخن می‌گوید." لوقا ۶:۴۵

آنچه که بدان تفکر کرده و با صرف زمان در قلبمان قرار می‌دهیم، از دهانمان خارج می‌شود. زبان از زیادتی دل سخن می‌گوید. بنابراین آنچه شما قلب خود را از آن پر می‌کنید، از دهانتان خارج خواهد شد. قلبتان را پر از کلام کنید، و کلام خارج خواهد شد.